

اختیارات قضایی در تعیین مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

حسین جمالی ارمندی^۱، علی بابامیر ساطحی^۲، فاطمه محمدی پاک^۳

۱. مدرس دانشگاه علمی کاربردی واحد لردگان، ایران

۲. مدرس دانشگاه علمی کاربردی واحد لردگان، ایران

۳. مدرس دانشگاه علمی کاربردی واحد لردگان، ایران

چکیده

ظرف سی سال گذشته علاقه روزافزونی نسبت به بهره‌گیری از نتایج تحقیقات جرم‌شناسی در توسعه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری به وجود آمده است. اغلب حقوق‌دانان معاصر معتقدند که حقوق کیفری نمی‌تواند نسبت به نتایج جرم‌شناسی بیگانه باشد. از جمله نمونه‌های نفوذ جرم‌شناسی در حقوق کیفری می‌توان از فردی کردن کیفرها، اقدامات تأمینی، روش‌های جدید درمان مجرمان و بزهکاران و تحولات مسئولیت کیفری نام برد. اندیشمندان حقوق کیفری به طور کلی نفوذ این یافته‌ها را مشروع می‌شناسند، به ویژه آن‌که این نفوذ مبتنی بر داده‌های تجربی بوده، نسبتاً ثابت شده باشد، ولی مشاجره عصر حاضر بر سر دامنه نفوذ جرم‌شناسی در سیاست کیفری و سیاست جنایی است. تحولات پی در پی در سیاست‌ها و شیوه‌های پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی به جرم نمونه آشکار تأثیرپذیری سیاست جنایی از دستاوردهای جرم‌شناسی، به طور خاص و رشته‌های دیگر علوم جنایی، به صورت عام است. در پهنه حقوق کیفری ایران توجه به یافته‌های جرم‌شناسانه در فرایند تدوین مقررات کیفری تازه تصویب شده جدی‌تر از گذشته شده است. در این میان، کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از اصلی‌ترین مصوبه‌های قانون‌گذار در این عرصه است که شماری از آموزه‌های نظری و کاربردی این شاخه را به رسمیت شناخته است تا به این واسطه تحلیل‌های جرم‌شناسانه در فرایند پاسخ‌دهی به جرم هم به کار آید. در این نوشتار، برای تبیین رویکرد مقنن، حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناسی نظری (الف) و جرم‌شناسی کاربردی (ب) در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بررسی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت کیفری، داده‌های جرم‌شناسی، حقوق کیفری، جامعه‌شناسی کیفری.

مقدمه

مسئولیت کیفری، الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم می‌باشد. مسئولیت کیفری عبارت است از «قابلیت» یا «اهلیت» شخص برای تحمّل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود. مطابق ماده‌ی ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «عقل»، «بلوغ» و «اختیار» از شرایط مسئولیت کیفری محسوب می‌شوند. اما ارکان اهلیت جزایی به این سه ختم نمی‌شود و در مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ همین قانون، از سه عنصر دیگر، یعنی «علم» و «قصد» و «تقصیر» هم به عنوان شرایط دیگر مسئولیت کیفری یاد شده است (ساکي، ۱۳۹۲: ۳). به تعبیر دیگر، ارکان مسئولیت عبارتند از: اهلیت جزایی و تقصیر. اهلیت جزایی از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است. ادراک در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمییز ماهیت افعال، آثار، تبعات اخلاقی و اجتماعی که بر آن‌ها بار می‌شود، به کار رفته است. با این وصف، اگر مجرم دارای ادراک و اختیار نباشد، مسئول اعمال خود نیست. از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند که عبارتند از:

اول: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم‌گیری او را مشخص کند.

دوم: عمل مجرمانه‌ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوء نیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد.

سوم: برای این که مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوء نیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد.

به طور کلی، هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند لزوماً مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءدنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن‌چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه است. برای تحقق مسئولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود. یعنی تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت. بر اساس شرع مقدس

اسلام، قانون مدنی و ماده ۱۴۷ این قانون، سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام قمری و برای دختران نه سال تمام قمری است و افرادی که زیر این سنین قرار دارند، فاقد مسئولیت کیفری هستند. هم چنین افراد در صورتی می توانند مورد بازخواست قرار گیرند که توانایی درک و تمیز افعال خوب و بد را داشته باشند. ادراک و تمیز در اصطلاح حقوق کیفری، توانایی فهم ماهیت افعال و درک آثار و تبعات آن و قدرت تشخیص اعمال خوب و بد و مباح است. منظور از اختیار، داشتن اراده آزاد است. شخصی که دارای اراده آزاد باشد، پیش از انجام هر کاری فکر می کند نتایج و تبعات خوب یا بد آن را در نظر می گیرد و آن ها را می سنجد، سپس عمل می کند.

مسئولیت کیفری نوجوانان

بحث مربوط به مسئولیت کیفری نوجوانان در جرم شناسی از جمله موضوعاتی است که پیوسته توجه جرم شناسان را به خود معطوف داشته است. گر چه از نظر قانون افراد کمتر از ۱۸ سال تمام نیز تا حدودی مسئولیت کیفری دارند و مقررات خاصی در مورد آن ها اعمال می شود. ولی چون عمل بزهکارانه نوع و کیفیت بزه ارتكابی آنان با بزرگسالان متفاوت است لذا در جرم شناسی این افراد به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرند و تعیین شروع بزهکاری با مطالعه نظریات جرم شناسی و هم چنین قوانین کیفری مرتبط است و برای سنی که در آن بتوان یک نوجوان را از نظر عقل دارای مسئولیت بدانیم معیاری مشخصی وجود ندارد و آن ها یعنی جرم شناسان معتقد هستند که دوران زندگی اطفال با توجه به رشد جسمی و روانی افراد به دوره های مختلفی تقسیم می شود که از مهم ترین دوره ها به علت تقارن زمانی با بلوغ فرد دوره نوجوانی است (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). امروزه دغدغه مربیان، متخصصین و سیاست گذاران و جرم شناسانی که معتقدند «کودکان و نوجوانان امروز، شهروندان فرداوند و بقاء، حمایت و توسعه آنان پیش شرطی برای توسعه آینده بشریت است». تعیین شیوه اصلاح و بازپروری نوجوانان خشن است. هنوز روشن نیست که بزهکاران نوجوانان به برخوردهای ملایم بهتر پاسخ می دهند یا به مجازات های سخت. از این رو اکثر دانشمندان علوم اجتماعی، خواه جامعه شناسان یا روان شناسان و هم چنین جرم شناسان، بیش از هر عاملی بر آگاهی بخشی خانواده و تاثیر بی بدیل آن تاکید دارند. اگر چه از تاثیر مدرسه، گروه های همسال، رسانه های جمعی و ... غافل نیستند، ولی نقش خانواده را موثر می دانند؛ زیرا فرد در خانواده فرایند فرهنگ پذیری را می آموزد و شخصیت افراد بیش از همه در آغوش خانواده رشد و شکل می گیرد؛ در حالی که دیگر عوامل، بیشتر در جامعه پذیری افراد، نقش دارند. فروید بر این باور است که شخصیت متشکل از سه نظام نهاد، خود و فراخود است و فراخود معرف بازنمایی های درونی شده آن دسته از ارزش ها و اخلاقیات جامعه است که والدین به کودک آموخته اند. فراخود در واقع همان وجدان فرد است و درباره درست یا غلط بودن اعمال فرد داوری می کند. از این جهت در این نوشته سعی بر آن شده تا آن جا که مقدور

می‌باشد پاسخی برای این مشکل و مشکلاتی دیگر که در مورد بزهکاری‌های اطفال وجود دارد ارائه گردد.

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری

حقوق کیفری صغار قلمرو وسیعی را شامل می‌شود که در چهار بخش، حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی، آئین دادرسی کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی، مورد بحث قرار می‌گیرد. در این قسمت، تکیه بر مسئولیت کیفری صغار است که هم از نظر ارزش عملی و هم از لحاظ نظری، از مباحث بنیادین این رشته است. در این قسمت که در صدد بیان مبنای مسئولیت کیفری صغار هستیم، مبنای مسئولیت در دیدگاه اثباتیون حالت خطرناک است که صغیر خطرناک به راحتی به صغیر در معرض خطر تبدیل می‌شود که باید مورد تدابیر تربیتی قرار گیرد. از این نقطه نظر، ملاک مسئولیت صغار دیگر قوه تمیز نیست. این دیدگاه بر آستانه سن مسئولیت کیفری صغار تأثیر گذاشت و آستانه سن را که قبل از آن سیزده سال (سن تمیز) بود به هجده سال افزایش داد. صغار بزهکار را مشمول تدابیر حمایتی، تربیتی، مراقبتی قرار داد. به عنوان نمونه نگاهی گذرا به تحولات مسئولیت کیفری صغار در فرانسه نشان می‌دهد که قانون ۱۹۱۲ صغار بزهکار این کشور معیار قوه تمیز آستانه سن سیزده سال را برگزیده بود، که بعد از جنگ جهانی دوم تصویب‌نامه ۲ فوریه ۱۹۴۵، معیارهای دیدگاه اثباتیون را لحاظ کرد و مسأله قوه تمیز را الغاء نمود و سن بلوغ کیفری را به هجده سال افزایش داد، تدابیر حمایتی، امدادی، مراقبتی و تربیتی را پیش‌بینی کرد. در این قانون با کنارگذاشتن معیار قوه تمیز برای مسئولیت کیفری صغیر، مسئولیت وی را بر حالت خطرناک بنا نهاد که باید مورد تدابیر تربیتی قرار گیرد نه این که با پاسخ‌های تنبیهی مواجه شود. این قانون دادرسی صغار را به مراجع خاص (صغار) واگذار کرد و دادگاه‌های ویژه صغار بزهکار (در امور جنحه‌ای) و دادگاه جنایی صغار را به وجود آورد. از این رو دادرس دادگاه به جای تلاش برای تشخیص قوه تمیز صغیر، باید وضعیت روحی روانی و عاطفی او را بررسی کند و در رسیدگی و تعیین ضمانت اجرا، مورد توجه قرار دهد و به اصلاح و تربیت او بپردازد. به علاوه صغیر در معرض خطر را که هنوز دست به ارتکاب جرم نزده است، تحت تدبیر قرار دهد. این دیدگاه در رأی معروف به لایوب، مورد پذیرش دیوانعالی کشور قرار نگرفته است. این رأی به مسأله قوه تمیز صغیر پرداخته است (رأی ۱۳ دسامبر ۱۹۵۶). مع الوصف توصیف‌نامه ۱۹۴۵ سه دسته صغیر را پیش‌بینی کرده است (۱۳ ساله، ۱۶ تا ۱۸ ساله و ۱۶ تا ۱۸ ساله)، از رأی دیوانعالی کشور استنباط می‌شود که دادگاه باید بین این سه دسته تفاوت قایل شود.

صغار فاقد قوه تمیز در رأی لایوب که مربوط به پسر بچه ۱۶ ساله‌ای است که همبازی خود را مجروح کرده است، دیوانعالی محکومیت وی به تدبیر تربیتی را، دلیل بر آن دانسته است که «نحوه انجام عمل مادی صغیر مبین آن است که آگاهانه و با اراده آن را مرتکب شده و مستوجب سرزنش است» زیرا ارتکاب هر عملی اساساً حاکی از آن است که عامل آگاهانه و با اراده و اختیار، آن را مرتکب شده است. بنابراین رأی

دادگاه را که نوجوان را به والدین سپرده، نقض کرده است. به دلیل این که دادگاه ایراد جرح وی را ناشی از بی احتیاطی دانسته، بدون این که در مورد قوه تمیز و شعور وی تحقیقی انجام دهد. نتیجه دیگری که از این رأی به دست می آید، آن است که صغار فاقد قوه تمیز، به خاطر جوانی و خردسالی بیش از حدشان مکه طفل تلقی می شوند، نباید در دادگاه صغار مورد محاکمه قرار بگیرند، زیرا یک دادگاه کیفری (سرکوب گر) است. آن گونه که دیوان در رأی خود خاطر نشان کرده است حتی برای این که تدابیر تربیتی در مورد آنان اعمال شود بلکه باید رها شوند، زیرا از مسئولیت کیفری میرا هستند.

صغار سیزده ساله ای که از قوه تمیز بهره مند هستند باید در دادگاه صغار محاکمه، و حسب مورد به والدین یا اشخاص ثالث برای تربیت تحویل شوند، یا تحت آزادی توأم با مراقبت قرار بگیرند، یا در مؤسسات خاص مورد نظارت باشند. این تصمیمات را باید دادگاه اطفال اتخاذ کند. صغار ۱۳ تا ۱۶ ساله، به صورت معمول باید تحت تدابیر تربیتی واقع شوند، ممکن است در مواردی محکومیت کیفری پیدا کنند و آن در مواردی است که مرتکب جنایتی شده باشند که دادگاه جنایی صغار، بر حسب اوضاع و احوال و شخصیت آن ها، کیفر حبس یا جریمه ای را که برای بزرگسالان پیش شده، مورد حکم قرار می دهد، البته با رعایت معاذیر مخففه (عذر صغر) که در قانون مقرر شده است. بالاخره صغار ۱۶ تا ۱۸ ساله این گروه اگر مرتکب جنایتی شوند دادگاه جنایی صغار با آنان همانند بزرگسالان رفتار می کند، بدون این که عذر صغر، تأثیری بر مجازات آنان داشته باشد.

در سال های پایانی سده نوزدهم در انگلیس، و در نیمه دوم سده بیستم، به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، در فرانسه، دیدگاه حمایتی نسبت به صغار حاکم بوده است و همانند بزرگسالان؛ آسیب های روانی، زیستی کودکان (صغار) مورد توجه قرار می گرفت و اقدامات پزشکی، روان شناختی، روانی برای اصلاح و درمان صغار و تربیت آنان و توجه به اوضاع و احوال جرم و شخصیت مجرم، سرلوحه واکنش علیه بزهکاری صغار بود. در بسیاری از کشورها، اصل مسئولیت کیفری صغار جایگزین اصل قدیمی، اماره عدم مسئولیت کیفری صغار شده است. دو دلیل عمده برای این تغییر رویکرد می توان ذکر کرد: یکی نگرانی و دغدغه دولت ها از رشد بزهکاری صغار و لزوم شدت عمل در برابر آن، زیرا امروزه احساس ناامنی شهروندان، بیشتر ناشی از رفتارهای بزهکارانه جوانان در آستانه بلوغ است. در نتیجه گرایش به شیوه های سرکوب گر کیفری به جای اقدامات تربیتی، برای امنیت شهروندان، زیاد شده است. در بسیاری از کشورها آستانه سن بلوغ، که جوان را از قلمرو حقوق کیفری صغار خارج می کند و مشمول نظام کیفری بزرگسالان می نماید تقلیل یافته است. در غالب کشورها سن بلوغ ۱۸ سال تعیین شده، در پاره ای از کشورها ۱۶ سال، در فنلاند، یونان و لهستان ۱۷ سال، در پرتغال و رومانی و تونس ۱۶ سال است، در جمهوری اسلامی ایران که قوانین کیفری غالباً بر اساس فقه شیعی تدوین شده، سن بلوغ پسران ۱۵ و برای دختران ۹ سال است. در غالب کشورها رشد روز افزون بزهکاری را، به بزهکاری نوجوانان نسبت می دهند. بر این اساس تمایل به پائین آوردن سن بلوغ که سن مسئولیت کیفری صغار را کاهش می دهد، قوت گرفته است. رشد فکری و

درک عمومی نوجوانان نیز، این تمایل را تقویت می‌کند. بنابراین دغدغه خروج نوجوانان از قلمرو مسئولیت کیفری صغار، و ورود در قلمرو مسئولیت کیفری بزرگسالان، وجود دارد. نتیجه چنین رویکردی محکومیت نوجوانان برای ارتکاب جرایم جنایی به حبس‌های طولانی مدت و حتی اعدام است که نمونه آن را در پاره‌ای از ایالات آمریکای شمالی می‌توان مشاهده کرد. امروزه تمایل کشورها به تعیین سن تمیز که صغیر، در آن موقعیت سنی، دارای قوه شعور و ادراک می‌شود، زیاد شده است. یعنی بازگشت به مبانی مسئولیت کیفری مبتنی بر آزادی اراده (اختیار) و احیاء رویکرد سزادهی طفل ممیز بر اساس اصول مکتب کلاسیک. بعضی از مؤلفان معیار اهلیت تمیز را، معیاری ذهنی و نسبی می‌پندارند که بر حسب اوضاع و احوال جغرافیایی، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی، و بالاتر از همه، رشد روان‌شناختی، برحسب افراد، متفاوت است. دادگاه باید با ارجاع امر به کارشناسی (روانشناس) به اهلیت تمیز پی برد، و ممکن است وضعیت آسیب‌شناسی و روانی‌شناختی صغیر، لحاظ شود. آستانه سن تمیز در مفهوم ثانوی، سنی است که بعد از آن صغیر مسئول تلقی می‌شود و ضمانت اجرای کیفری را، می‌توان بر او تحمیل کرد. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضاء می‌کند که آستانه سن (حتی در معیار اهلیت تمیز) در قانون مشخص شود، و نباید آن را به عهده قاضی گذاشت، تا این اصل مانع شخصی کردن مجازات نسبت به شخصیت یا رشد روان‌شناختی صغیر نشود. دولت‌های امنیت‌مدار به راه‌حل کیفری و شیوه تنبیهی صغار، برای رفع نگرانی عمومی از بزهکاری رو آورده‌اند. این رویکرد علاوه بر این که، از نظر مبنای مسئولیت بر بنیان‌های مکتب کلاسیک پی‌ریزی شده و با نگاه به قوه تمیز و شعور، او را مسئول تلقی می‌کند و بر همین اساس او را مستحق کیفر می‌داند. قانون‌موردی را که پرونده نوجوان را به نظام دادرسی بزرگسالان می‌توان انتقال داد و آنان را به سان بزرگسالان به کیفر رساند، معین کرده است. غالب مؤسسات پلیس شهرهای بزرگ یک شعبه مخصوص صغار دارند. واحدهای مخصوص اطفال در مورد پرونده‌های آنان تحقیق لازم را انجام می‌دهند و در صورت لزوم به دادگاه صغار معرفی می‌کنند. افسران ویژه صغار، در مورد صغار قانون‌ستیز شیوه‌های گوناگونی را به کار می‌برند، از کنار آنان بی‌تفاوت بگذرند، بعد از صحبت کردن با آنان و توصیه‌های لازم آنان را آزاد کنند، آنان را به بخش‌های دیگر ارجاع دهند، یا به مراجع ویژه صغار معرفی کنند. در مورد صغاری که در خیابان‌ها یا محله‌ها تجمع می‌کنند، مجازند راجع به احراز هویت آنان نام، شهرت و محل اقامت آنان سوال کنند، یا به آنان دستور دهند متفرق شده از محل دور شوند، آنان را به منزل هدایت و به والدین‌شان توصیه کنند که مانع از پرسه زدن آنان در خیابان شوند، یا برای پرسش‌های بیشتر به ایستگاه پلیس هدایت کنند. یا والدین آنان را به ایستگاه پلیس احضار کنند و عواقب سوء رفتارهای ناپسند بیشتر را به آنان گوشزد کنند. ملاحظه می‌شود پلیس رفتارهای غیرمدنی و بی‌نزاکتی‌های اجتماعی صغار را هم برای پیشگیری از وقوع جرم، تحت کنترل شدید قرار می‌دهد و دید اغماض و ملاطفت‌آمیز نسبت به صغار از هر حیث به رویه سختگیری و عدم اغماض تبدیل شده است. برنامه ویژه مراقبت از صغار در معرض خطر در ساعات فراغت از مدرسه و تعطیلات و نحوه کنترل آنان برای

جلوگیری از مصرف مواد مخدر و اعتیاد و جذب گروه‌های بزهکار، جلوه دیگری از رویکرد کیفرگرا به صغار است که به علت عدم ارتباط با موضوع بحث، از بیان بیشتر آن، خودداری می‌شود. در پایان این گفتار یادآوری می‌شود با وجود این که مسئولیت کیفری صغار از لحاظ ماهیت، بر حسب غلبه هر یک از آموزه‌های جرم‌شناختی، و متناسب با زمان و مکان، از آموزه غالب، متأثر شده که به طور اجمال بیان گردید. لیکن در طول نیمه دوم سده نوزدهم و قرن بیستم از لحاظ پاسخ و واکنش جامعه به بزهکاری صغار، پیوسته از راه‌حل‌های تربیتی، حمایتی، امدادی، که متأثر از دیدگاه اثباتیون است، متأثر بوده است. اصولاً آن چه حقوق کیفری صغار نامیده می‌شود مرهون دیدگاه‌های این مکتب در مورد بازپذیری اجتماعی و اصلاح و درمان بزهکار است. در مورد صغار به عنوان راه‌حل‌های تربیتی، حمایتی، امدادی، جلوه کرده است. امروزه با وجود غلبه دیدگاه کیفرگرا (سزاگرا) نسبت به صغار تعلیق مراقبتی، مجازات‌های اجتماعی، و راه‌حل‌های ترمیمی در کنار نگاه تنبیهی، به حیات خود ادامه می‌دهد و دیدگاه‌های اصلاحی، به خصوص در حقوق کیفری فرانسه و مراحل مختلف رسیدگی به پرونده صغار، از جایگاه مهمی برخوردار است (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

مسئولیت کیفری نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

جرم‌شناسان در خصوص آثار سوء رسیدگی به جرایم نوجوانان و اطفال به صورت غیر تخصصی و همراه با مجرمان بزرگسال و سابقه‌دار بسیار سخن گفته‌اند. در حقوق کیفری ایران نیز اولین بار در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بین ۶ تا ۱۸ سال را داشت، تاسیس شد اما پس از انقلاب، قانون‌گذار رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را تابع قواعد عمومی و همراه مجرمان بزرگسال قرار داد و تمایلی به ایجاد محاکم اختصاصی از خود نشان نداد. البته این تصمیم دوام نیاورد و در نهایت به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، شعب تخصصی از محاکم عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان اختصاص یافت. قانون جدید مجازات اسلامی نیز به طور خاص رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان را مورد توجه قرار داده است؛ اتفاقی که مزایای زیادی برای آن شمرده شده است. با این حال با توجه به مراحل شکل‌گیری شخصیت نوجوان و جامعه‌پذیری تدریجی وی، متخصصان قائل به طبقه‌بندی و تفکیک دوران کودکی و نوجوانی از بدو تا ختم آن شده‌اند به نحوی که در هر دوره حقوق و مسئولیت‌هایی را برای وی لحاظ کرده‌اند. وی ادامه می‌دهد: در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی به عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم‌بندی دیگر نیز داشته به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است. در قانون جدید ضمن این که سن کودک را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان شناسایی کرده است (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). تحول در جرایم تعزیری و حدود

و قصاص در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه‌بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. این تحولات در دو بخش جرایم تعزیری و حدود و قصاص قابل توجه است. در مورد کودکان زیر ۹ سال مرتکب این جرایم، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می‌شود. در خصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم‌هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی، گرفته می‌شود که از جمله واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا موسسات دیگر قابل ذکر است. البته در این مورد مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در مورد سلب حضانت از والدین نیز باید رعایت شود (همان: ۲۱۰).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد نوجوانان در ماده ۸۹ تکلیف را روشن کرده و بر اساس آن در صورت ارتکاب جرایم تعزیری از سوی این گروه، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی برای آنان در نظر گرفته شده است. یعنی در قانون جدید ضمن طبقه‌بندی جرایم تعزیری به درجه‌های مختلف، برای هر دوره سنی از کودکان درجه‌هایی از این نوع مجازات اعمال می‌شود. در مورد جرایم حدود و قصاص نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸، در مورد نوجوانان مذکر ۱۲ تا ۱۵ و قبل آن یعنی ۹ تا ۱۲، نیز همان تصمیم‌های مندرج در ماده ۸۸ اتخاذ می‌شود. قابل تجدید نظر بودن این تصمیم‌ها از سوی دادگاه اطفال هر چند بار که مصلحت کودک و نوجوان اقتضا کند، قابل تبدیل بودن مجازات نگهداری در کانون و جزای نقدی به مواردی دیگر که به مصلحت کودک و نوجوان باشد، قابل تبدیل بودن مجازات حدود و قصاص به جرایم تعزیری در مورد کودکان و نوجوانان بالغ کمتر از ۱۸ سال در صورت شبیه در کمال عقل و رشد آنان، از جمله موارد مهم و قابل توجه در قانون جدید است.

با توجه به آنکه در این نوشتار امکان بررسی تمام حقوق بنیادین طفل در فرایند دادرسی وجود نداشته، تنها برخی از این تضمین‌ها بیانگر تحول رو به تکامل شیوه‌های تضمین حقوق متهم در آیین دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان است که به ترتیب ذکر خواهد شد:

بند اول: شیوه‌های تضمین حقوق اطفال و نوجوانان

— محدودیت در بازداشت موقت و پیش‌بینی اقدامات جایگزین

اسناد بین‌المللی مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان توسل به بازداشت موقت برای این گروه از افراد را تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن در نظر گرفته‌اند که فلسفه این امر را می‌توان در خطر آسیب‌پذیری آنان در طول مدت بازداشت موقت دانست. علاوه بر این، در اسناد مذکور توصیه شده، در صورت امکان از شیوه‌های جایگزین بازداشت موقت استفاده شود؛ از جمله این اسناد می‌توان به

مواد ۱۳/۵-۱۳/۱ مقررات پکن و مواد ۱۷ و ۱۸ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ اشاره کرد.

- حضور وکیل

از دیگر شیوه‌های تضمین حقوق طفل یا نوجوان متهم، برخورداری وی از نمایندگی یک مشاور حقوقی یا وکیل و یا درخواست مواظبت حقوقی است. در این راستا ماده ۱۵/۱ مقررات پکن اشاره کرده است که: «نوجوانان در طول جریان دادرسی دارای حق نمایندگی توسط یک مشاور حقوقی یا درخواست معاضدت حقوقی رایگان، در صورت ارائه این گونه معاضدت در کشور می‌باشد». در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ماده ۴۱۵ بدین امر اشاره شده که در جرایم که رسیدگی به آنان در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارض بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای وی وکیل تعیین کند که در صورت عدم تعیین وکیل و یا عدم حضور وی، بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع نموده یا وکیل تعیین کند. نوجوان نیز، حق دفاع از خویش را دارد.

- تحقیق اجتماعی

از دیگر حقوق بنیادین طفل در مراحل رسیدگی آن است که شخصیت وی و شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی که وی در آن به سر برده، شناسایی و تحلیل گردد. در این صورت است که قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان شناخت کافی از طفل و نوجوان پیدا کرده و ضمن رعایت مصلحت وی پاسخی متناسب را برای بزهکاری او در نظر می‌گیرد. بدین خاطر بوده است که ماده ۲۲۲ آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقرر می‌داشت: «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد. دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید». در ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده که در جرایم درجه پنج و شش تعزیری تشکیل پرونده شخصیت توسط دادرسی یا دادگاه ویژه اطفال الزامی است. البته این ماده به این امر نیز اشاره دارد که جرایم مذکور در ماده ۳۰۲ همین قانون نیز که جرایم موجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو یا جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی یا میزان ثلث دیه کامل و یا بیش از آن، جرایم تعزیری درجه ۴ و بالاتر و سیاسی و مطبوعاتی است، نیز تشکیل این گونه پرونده‌ها الزامی است. این ماده، در خصوص تشکیل پرونده بیان می‌دارد، بازرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید این پرونده به صورت

مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد که حاوی مطالبی شامل؛ گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم و دارای گزارش پزشکی و روانپزشکی می باشد.

- تسریع به جهات قانونی شروع به تعقیب با اتخاذ تدابیر حمایتی

در ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری، علاوه بر جهات قانونی تعقیب که در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری ذکر شده، برای سازمانهای مردم نهاد که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان است، این اختیار را قایل شده که می توانند نسبت به جرایم ارتكابی در خصوص اطفال، اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی، جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند. در تبصره این ماده نیز آمده که در خصوص جرم علیه اطفال، رضایت ولی یا سرپرست قانونی وی جهت اعلام گذشت اخذ می شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمانهای مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی با تایید دادستان، اقدامات لازم را انجام می دهند. لازم به ذکر است که وظیفه ای که در این خصوص برای ضابطان دادگستری و مقامات قضایی بیان شده این است که بزه دیده گان موضوع این ماده را که شامل اطفال نیز می باشد، از کمک سازمان های مردم نهاد مربوطه مطلع سازند.

- ممنوعیت انتشار جریان رسیدگی

در معاهده حقوق کودک بر سری بودن جلسات محاکمه طفل تأکید شده و مقرر گردیده است که مجرمانه بودن کامل موضوع دادرسی، در طول تمام مراحل دادرسی امری لازم است. علت این امر آن است که انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه های گروهی و ارتباط جمعی از یک طرف ممکن است موجب تشویش دیگر اطفال بزهکار شده و از طرف دیگر بر وضعیت روحی طفل اثر منفی بگذارد. به همین خاطر است که در بیشتر کشورها رسیدگی در دادگاه اطفال غیرعلنی بوده و مردم عادی حق ورود و استماع جریان دادرسی را ندارند. این ممنوعیت در ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب پیشین نیز پیش بینی شده بود. براساس ماده نامبرده رسیدگی به جرائم اطفال علنی نبوده و تنها اولیا و سرپرست قانونی طفل، وکیل مدافع، شهود، مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت، چنانچه دادگاه ها حضور آنان را لازم بدانند، مجاز به حضور خواهند برد. همچنین انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه های گروهی یا فیلم برداری یا تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع دانسته شده است. در ماده ۴۱۳ قانون جدید نیز به این امر اشاره شده که در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیا یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنها در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعین و مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می شوند و حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.

- معاف ساختن طفل از حضور در دادرسی

مشارکت طفل در تمام فرایند دادرسی یا قسمتی از آن همواره امری مطلوب به شمار نمی آید؛ چراکه گاهی حضور غیرضروری وی در این فرایند موجبات آسیب به وی را فراهم می آورد. بدین خاطر است که در بسیاری از قانونگذاری های مربوط به دادرسی اطفال، گاهی طفل به طور دائم یا موقت از حضور در دادرسی معاف می شود. ماده ۲۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه عمومی و انقلاب این مهم را مورد توجه قرار داده بود. این تدبیر در ماده ۴۱۶ قانون جدید نیز بیان شده که مقرر می دارد: "در دعوای رسیدگی به ضرر و زیان حضور طفل لازم نیست؛ مگر در صورتیکه توضیحات وی برای صدور رای ضروری باشد". در ماده ۴۱۴ همین قانون نیز بیان شده که تمام یا قسمتی از دادرسی ممکن است در غیاب طفل به عمل آید، ولی رای دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می شود.

جمع بندی

سعی شده است که با در نظر گرفتن مقررات بین المللی در این مورد، تجربه سایر کشورها و نیز گرایش های موجود در زمینه دادرسی اطفال و نوجوانان، زمینه تدوین دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران فراهم آید. با وارد ساختن اندیشه های ترمیمی در مقررات قضائی سعی شده است که از توسل بی رویه به مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود. زیرا هر چند که نگهداری یا حبس در کانون اصلاح و تربیت پاسخی تربیتی است، اما همین محیط بسته کانون زمینه را برای برخی آسیب های احتمالی به اطفال و نوجوانان فراهم می آورد.

با تمام تحولات صورت گرفته، ضرورت دارد شرط کلی و مبهم ایران مورد بازبینی و بررسی کارشناسانه قرار گیرد تا موارد مغایر کنوانسیون با موازین شرعی و قوانین داخلی به طور دقیق مشخص شود. از سوی دیگر، تخصیص و تمهید منابع مالی و مدیریت ملی در جهت پیشبرد وضع قوانین و مقررات و نهادهای در خصوص کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری فعالیت می کنند از اهم واجبات است. به عنوان مثال تخصیص بودجه جداگانه برای امور مربوط به اطفال. از نظر اصول دادرسی نیز، اعمال و رفتاری که ارتکاب یا ترک آن از سوی نوجوان ممنوع است، بایستی به طریق مشخص احصا شود؛ در غیر این صورت نمی توان او را متهم به نقض قوانین کیفری شناخت تا زمانیکه گناهکار بودن نوجوان ثابت نشده، بی گناه فرض می شود. از یک سو، رسیدگی به اتهام بدون تاخیر و توسط یک مقام یا نهاد صالح، مستقل و بی طرف در یک دادرسی عادلانه مطابق قانون در حضور وکیل یا سایر کمک های مقتضی باید صورت گیرد. به عنوان مثال درج مقرر ای مبنی بر رسیدگی فوق العاده و خارج از نوبت پرونده های اطفال. از سوی دیگر، در صورت لزوم طفل یا نوجوان باید بتواند به سرعت و مستقیم از اقداماتی که علیه او صورت می گیرد، از طریق والدین و یا سرپرستان قانونی و خود اطلاع یابد و برای تهیه و ارائه دفاعیه خود از کمک حقوقی برخوردار باشد. در صورتیکه اطفال مجرم شناخته شود، از نهاد یا قاضی صالح مستقل و بی طرفی

بخواهد که این حکم و همه مجازات‌ها را مجدداً بررسی کند. علاوه بر این موارد، پلیس ویژه اطفال که در هر کلاتری و پایگاه پلیس حضور فیزیکی مجزا و مخصوص داشته باشند. لازم است که پلیس در حدی آموزش ببیند که در صورت مقتضی و مطلوب بودن در مواجهه با نوجوان معارض قانون بدون توسل به دادرسی قضایی برخورد کند. به عنوان مثال ارائه بخش نامه و آیین نامه خاص در این خصوص. به تدریج بشر به این نتیجه رسیده که نه تنها در وقوع جرم، بلکه در هنگام دادخواهی نیز احتمال بزه دیده شدن وجود دارد. خطرات آن کمتر از بزه دیدگی اولیه نیست. از این رو در آیین دادرسی کیفری نیز بایستی حمایت‌هایی جهت حقوق بزه دیدگان در معرض خطر در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه حتی در نظر گرفتن و تصویب آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال در قالب قانون خاص. نکته پیشنهادی آخر اینکه بایستی زمینه‌های ارتکاب جرم کاهش یابد؛ به عنوان نمونه طراحی برنامه‌ها و مقرراتی در جهت کاهش احتمال ارتکاب جرم توسط اطفال و نوجوانان توسط فرهنگسرای محله‌های مختل.

فهرست منابع و مآخذ

- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان. (جلد دوم)، چاپ ۲۲.
- بولک، برنار. (۱۳۸۵). کیفر شناسی. ترجمه: علی حسین، نجفی ابرندآبادی. مجمع علمی فرهنگی مجلد.
- تدین، عباس؛ و باقری‌نژاد، زینب. (۱۳۸۶). سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران، مجله تعالی حقوق. سال دوم، شماره ۱۸.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۷). دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه، مجله فقه و حقوق. سال چهارم، شماره ۱۶.
- ساکی، محمدرضا. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری. تهران: انتشارات جنگل جاودانه. (جلد دوم).
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی بر اساس قانون جدید. تهران: انتشارات مجلد. (جلد ۲).
- غلامی، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- فرج‌اللهی، رضا. (۱۳۸۸). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- فرج‌اللهی، رضا. (۱۳۸۹). جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- فرجی‌ها، محمد. (۱۳۸۲). جنبه‌هایی از تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی. دوره ۷، شماره ۱.
- کوشا، جعفر؛ و شاملو، باقر. (۱۳۷۶). نوآوری‌های حقوق جزای جدید فرانسه، مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۱۹-۲۰.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۲). سیاست جنایی. ترجمه: علی حسین، نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان. چاپ پنجم.
- لوی‌برول، هانری؛ کوویلیه، ارمان؛ و گوروچ، ژرژ. (۱۳۸۸). حقوق و جامعه‌شناسی. ترجمه: سیدابوالفضل، قاضی شریعت پناهی. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ یازدهم.
- محقق هرچقان، علیرضا. (۱۳۹۰). سن مسئولیت کیفری از منظر جرم‌شناسی. تهران: دادگستر.
- معظمی، شهاب. (۱۳۸۸). بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: دادگستر.
- میرسعیدی، سیدمنصور. (۱۳۸۳). مسئولیت‌کیفری، قلمرو و ارکان. تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۲). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. نشر میزان، چاپ دوم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). تقریرات درس جرم‌شناسی. (حمید، بهره‌مند؛ و محمد، صادری)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و غلامی، حسین. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران، مجله الهیات و حقوق. شماره ۲۰.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو؛ درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم. نشر میزان، چاپ اول.
- نعیمی، لیلا. (۱۳۸۲). مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف، فصلنامه ندای صادق. سال هشتم، شماره ۳۲.

___ Desportes, F. (2005). Le Gunehec, Francois, Droit penal general. 12 ed, Economica.

___ Ottenhof, R. (2002). Rapport General a Xvii Congre Internationale De Droit Penal. Colloque Preparatoire, Section I., Responsabilite Des Mineurs Dans L' ordre Interne et international, P.p: 20-28. Septembre 2002, Vienne Autrishe, en Revue Internationale de Droit Penal, 75 Anne, Nouvele Serie 1 et. 2 Trimestre, 2004.

___ Parker, M. (1998). "Nostalgia and mass culture: McDonaldization and cultural elitism. In M. Alfino", J. S. Caputo, & R. Wynyard (Eds.), McDonaldization revisited: Critical Essays on consumer culture, P.p: 1-18.

___ Rubin, J., Gallo, F. and Coutts, A. (2008). "Violent Crime; Risk models, effective interventions and risk management", Published by the RAND Corporation, P.p: 1-63.

___ Renucci (Jean Francois), Le Droit Penal Des Mineurs, Que Sais. Je? 1991, P.p: 70-71.

___ Sahama, Joel. (2005). Criminal Justic. 7 ed, wadsworth.

___ Weick, K. (1984). Small Wins; Redefining the Scale of Social Problems; American Psychologist. January: 40.